

مسجد و سیاست در عصر سلجوقی

(با تأکید بر کارکرد تبلیغی-رسانه‌ای مسجد)

^۱ مجید حاجی بابایی

^۲ ابراهیم اصلانی ملایری

^۳ امامعلی شعبانی

چکیده: "مسجد" به عنوان یکی از دستآوردهای پیدایی دین اسلام- در دوران پیامبر(ص) و پس از آن- تنها محل عبادت نبود؛ بلکه مرکز بسیاری از امور اجتماعی و سیاسی نیز به شمار می‌آمد. دوره‌ی سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ هق) به لحاظ مذهبی و سیاسی یکی از دوران‌های مهم در تاریخ ایران و اسلام محسوب می‌شود که در طی آن "مسجد" از اهمیت و جایگاه ممتازی، به ویژه در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی، برخوردار گردید.

فراخوان عمومی برای بسیاری از وقایع مهمی که نیاز به حضور یا آگاهی مردم داشت، از طریق مسجد انجام می‌شد. از این رو، مساجد در هنگام جهاد مهم‌ترین عامل تبلیغی و تهییجی برای حمایت از جهاد بودند. با این حال، رویکرد تاریخی به مسجد و کارکردهای آن در عصر سلجوقی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از نوشتار حاضر آن است که ضمن توصیف مهم‌ترین کارکردهای تبلیغی- رسانه‌ای مسجد، از طریق واکاوی منابع و روایت‌های تاریخی و در پست تحولات سیاسی، به تبیین نقش اثرگذار مسجد در اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی در عرصه‌های سیاست و اجتماع پیرداد و تلاش دولت سلجوقی، مخالفان سیاسی آن‌ها و نیز عموم مردم را در استفاده از مسجد به عنوان ابزاری برای فرآگیر کردن پیام و خواسته‌های خویش، مورد بررسی قرار دهد. دستآورд حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه در شرایط نبود تکثر فضای عمومی و پیام‌رسانی، مسجد ابزاری مهم؛ بی‌بدیل و اثرگذار در عرصه‌ی رسانه‌ای- تبلیغی بود و گروه‌های مختلف مردم، متناسب با نیاز خویش، از آن بهره می‌بردند.

واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، مسجد، تبلیغ، جهاد، ملازگرد، جنگ‌های صلیبی

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک m-hajibabae@araku.ac.ir

۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک aslani.Ebrahim@gmail.com

۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک shabani.2009@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۲۱، تاریخ تأیید: ۸۹/۱۲/۲۱

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم ادیان بزرگ، داشتن محلی برای اجتماع و نیایشِ دسته جمعی پیروان است. این گردهم‌آیی مؤمنان می‌تواند انگیزه‌ها و اهداف گوناگون داشته باشد. اهداف و چگونگی تحقق آن بسته به نگرش کلان و ماهیت ادیان دارد. اگر دینی دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی باشد، در کنار بُعد معنوی و معطوف به تجربه‌ی دینی، سایر وجوده نیز در اجتماعات مؤمنان برجسته می‌گردد. در اسلام نیز «مسجد»، به عنوان عمومی‌ترین و در دسترس‌ترین مکان برای اجتماع روزانه، در کنار کعبه، به عنوان نماد وحدت مسلمانان، بنیان نهاده شد. لیکن باید توجه داشت، با توجه به سرشت و ماهیت اسلام، مسجد تنها جایگاه عبادت و نیایش نبود، بلکه نمادی بود با کارکردهای مهم، متعدد و متنوع سیاسی-اجتماعی: کانون هدایت و ارشاد، کانون آموزش و علم آموزی، پایگاه جهاد و نهضت، مقر قصاصات و قضاوت، قرارگاه سیاسی دولت، مرکز تعاوون اجتماعی، محل خطبه‌خوانی، محل اعتراض سیاسی، محل بسیج سیاسی و نظامی برای جهاد با کفّار، محل قتل‌های سیاسی و ...

در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، مسجد نقشی مهم و محوری داشته و به نوعی مهم‌ترین مسائل و چالش‌های جامعه در عرصه‌های گوناگون در مسجد شکل گرفته است. اما میزان تأثیرگذاری و چگونگی آن از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر تقاضت داشته است. همچنین، میزان توجه منابع و ارائه‌ی گزارشی از تحولات مرتبط با مسجد، منسجم و همه جانبه نیست. به این معنی که، به دلیل توجه خاص به بزرگان و حاکمان در متون تاریخی، به موضوع‌های مستقل اجتماعی پرداخته نشده است. لاجرم، نقش مسجد در کنار این تحولات مطرح گردیده است. همین پراکندگی و عدم انسجام باعث شده تا این موضوع به لحاظ تاریخی کمتر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در تاریخ خلافت اسلامی، دوره‌ی سلجوقی به لحاظ مذهبی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا وجه مذهبی و تأکید بر اسلام سنتی، وجه غالب این دوران است. همچنین، آنان در دو عرصه‌ی داخلی و خارجی، جنگ‌ها و درگیری‌های عقیدتی و سیاسی و نظامی داشتند. از این رو، برای تبلیغ و تثییت موقعیت خویش بهشت نیازمند ابزار تبلیغی - رسانه‌ای بودند؛ و به همین دلیل، مسجد در آن دوران، بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد سلجوقیان در استفاده از مسجد، حساب شده و دقیق بهره می‌بردند؛ از این رو، در کنار رشد کارکردهای نهاد مسجد، معماری آن و روند ساخت و ساز مسجد تحول بسیاری یافت. دوران سلجوقی یکی از

دوران‌های برجسته در ساخت مسجد بود. به یقین، چنین رشدی، علاوه بر بسترهای مذهبی، نیازمند زمینه‌های اجتماعی نیز بوده است.

مساجد در این دوران، دارای کارکردهای متنوعی بودند؛ اما در میان همه‌ی این کارکردها، برخی از آن‌ها دارای اهمیت و جایگاه مهم‌تری هستند. یکی از کارکردهای مهم مسجد در تاریخ اسلام و به ویژه دوره‌ی سلجوقی، کارکرد تبلیغی-رسانه‌ای مسجد است. این کارکرد به نوعی با سرشت و ذات مسجد درآمیخته و از زمان پیامبر(ص) که نخستین مسجد بنا گردید، این کارکرد قابل مشاهده است. مراد از کارکرد تبلیغی-رسانه‌ای در این‌جا، فضایی برای رساندن پیام و آگاه کردن مردم توسط حکومت بر اساس نیازهایش از یک سو، و همچنین محلی برای تبادل آگاهی‌های اجتماعی و اعلام اعتراض مردم یا ناراضیان سیاسی از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، مسجد رسانه‌ای دو وجهی بود، یعنی هم از سوی حکومت و هم از سوی مردم و ناراضیان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

شناخت کارکردهای مسجد و استفاده از این فضای عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نگاهی به تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد به طور عمده پژوهش‌ها درباره‌ی مسجد و تحولات آن مرتبط با معماری است و شناخت بسترهای اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری مساجد و همچنین کارکرد آن‌ها در دوره‌های تاریخی مختلف مورد غفلت قرار گرفته است. با توجه به خلاصه موجود، لزوم پرداختن به این عنصر از تمدن اسلامی و درک تاریخی از مسجد اهمیت فراوان دارد.

برای ورود به متن نوشتار، ابتدا باید با طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های موجود، به تحلیل موضوع پرداخت: نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که، مهم‌ترین نقش‌های تبلیغی-رسانه‌ای مسجد در این دوران کدام است؟ چه گروه‌ها و افرادی از مسجد برای رساندن پیام یا اندیشه‌ای بهره می‌برند؟ آیا مسجد فقط در اختیار حکومت بود یا دیگر اقسام نیز از آن بهره می‌برند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه‌ها شکل می‌گیرد: مسجد در این دوران، با توجه به شرایط زمانی و محدودیت‌های ارتباطی، به نظر می‌رسد محل مناسبی برای اطلاع‌رسانی دولتی و مردمی بوده، و البته گاهی مشاهده می‌شود که حضور حکومت در مسجد پرنگتر از سایر اقسام است. همچنین، هر گروهی به فراخور نیاز خود، از رسانه‌ای مسجد استفاده می‌کرد، و وجه غالب استفاده‌ی سیاسی مردمی، بیان اعتراض به روندهای موجود در عرصه‌های گوناگون بوده است. حاکمان و شورشیان نیز نیازمند به حمایت معنوی

و قدرت بسیج مساجد بوده‌اند.

در این نوشتار، تلاش می‌گردد تا چگونگی استفاده‌ی هر یک از گروه‌های سه‌گانه‌ی بالا از مسجد، برای پی‌گیری خواسته‌های شان در عرصه‌ی تبلیغی-سیاسی نشان داده شود. البته، به دلیل محدودیت‌های پژوهش، تلاش شده تا مهم‌ترین کاربردهای مساجد مورد توجه قرار گیرد و زمینه‌ای برای مطالعات بعدی فراهم شود. مثلاً، استفاده‌ی تبلیغی حکومت، صرفاً معطوف به بسیج نیروها برای جنگ‌های جهادی مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که مسئله‌ای همچون خطبه‌خوانی و استفاده‌ی تبلیغی از آن برای مشروعیت بخشی و تبلیغات رسمی حکومت، خود موضوعی مفصل و در خور نوشتاری دیگر است که در اینجا به ضرورت بحث به اختصار به آن پرداخته شده است.

استفاده‌ی تبلیغی-رسانه‌ای از مسجد در جریان جنگ‌های جهادی با مسیحیان، به خوبی کارکرد مسجد را در این حوزه نشان می‌دهد. نقشی که مساجد ایفا می‌کردن، فراتر از دعا بود و به نوعی مهم‌ترین ابزار در جهت‌دهی به جنگ‌ها بهشمار می‌آمد. دوران سلجوقی، مثل بسیاری از دوران‌های پرآشوب دیگر، با بحران جانشینی و شورش روبرو بود. شورشیان نگاهی ویژه به مسجد داشتند و بیان نام خویش را در منابر و خطبه‌ها ابزاری برای رساندن پیام و تنبیه موقعیت‌شان می‌دانستند. از این رو، جدالی آشکار بر سر تصاحب منابر مساجد وجود داشت. مردم نیز در این کارزار هر گاه از نابسامانی‌های سیاسی-اجتماعی به تنگ می‌آمدند، تنها راه را رفتن به مسجد و همراه کردن دیگران با خویش و یا رساندن پیام‌شان به حاکمان می‌دانستند. هنگامی که این مجموعه‌ی مطالب را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، میزان اثرگذاری و نقش آفرینی مساجد، به‌ویژه از حیث تبلیغی و اطلاع‌رسانی در این دوره‌ی پرآشوب تاریخی، آشکار می‌گردد.

مسجد در عرصه‌ی جهاد

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مساجد در موضوع‌های داخلی و خارجی اهمیت داشتند. دولت سلجوقی در عرصه‌ی خارجی با چالش‌ها و درگیری‌های جدی روبرو بود. به‌ویژه، در درگیری با مسیحیان، نقش مساجد بسیار حائز اهمیت بود. از این‌رو، یکی از بارزترین کاربردهای سیاسی مسجد در دوره‌ی سلجوقی، با توجه به اوضاع سیاسی آن روز جهان اسلام، نقش حیاتی و انکارناپذیر آن در امر خطیر جهاد بود، که البته در قیاس با دوره‌های دیگر تاریخ ایران نیز بسیار برجسته و ممتاز است. مساجد در این دوره و در جای جای قلمرو گسترده‌ی

سلجوقي، به عنوان کانوني برای تحریک، تشجيع و تهییج مسلمانان به منظور جنگ با کفار مسيحي، درآمده بود. علاوه بر اين، به لحاظ بعد تبليغی و اطلاع‌رسانی محلی و نيز برای دعاخوانی توسط خطبا و مسلمانان و به قصد پیروزی جنگ‌جويان مسلمان نيز، حائز اهمیت بود. اين مجموعه کارکردهای جهادی مسجد، به خصوص در مورد جنگ‌های صلیبی، و حتی پيش‌تر از آن، در جنگ ملازگرد و در جنگ و جهاد مسلمانان با گرجی‌های مسيحي، نمود آشکار یافت.

جنگ ملازگرد

جنگ ملازگرد(۴۶۳ هق) يکی از مهم‌ترین جنگ‌های سلجوقیان با مسيحيان بود که نقش مساجد را در آگاه کردن مردم و فضاسازی برای غلبه بر دشمن نشان داد. اگر به منابع اين دوران نگاهی بيفكним، درمی‌بايم در جايی که به شرح اين ماجرا می‌پردازند، نخست، شکل‌گيری فضایي معنوی پيش از آغاز جنگ و به عنوان بخشی از راهبرد نظامی سلجوقی، نشان داده می‌شود. البته، درباره‌ی دیگر جنگ‌های سلجوقیان نيز، اين قاعده کم و پيش صادق است. برای نمونه، بنداری سخن خویش را درباره‌ی اين جنگ چنین آغاز می‌کند: «... عزم شاهانه به دیدار دشمن بی‌تاب بود و می‌خواست این مقصود زودتر انجام پذیرد. فقهیه و پیشوای مخصوص سلطان آلپ ارسلان [که] ابونصر محمد بن عبدالملک بخاری حنفی بود، به سلطان گفت: تو در دفاع از دین خدا جنگ می‌کنی و خدا خود به اظهار و اعلام دينش نويد داده است. روز جمعه دشمن را مقابله کن؛ زира بعد از ظهر جمعه مردم بر منابر مساجد برای تو دعا می‌کنند».^۱

ظاهرآ، علاوه بر توصیه‌ی آن فقهیه حنفی، نظرات امراء سپاه سلجوقی نيز در به تأخیر افتادن آغاز جنگ مؤثر بوده است؛ چرا که آنان نيز از اثرات معنوی‌سازی فضای جنگ به خوبی آگاه بودند. از اين‌رو، توصیه‌ی آنان نيز به سلطان، تأخیر در آغاز جنگ تا روز جمعه بود. آنان به دليل عدم توازن قوای دو طرف و چند برابر بودن سپاه روم،^۲ استفاده از انگيزه‌های

۱ فتح بن على بنداری ۲۵۳۶. تاریخ سلسله‌ی سلجوقی، زبدۃ النصره و نخبۃ العصره، ترجمه‌ی محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص. ۴۸.

۲ اگر چه در خصوص تعداد سپاهیان طرفین اختلاف نظر جدی وجود دارد، لیکن بر آورد این اثیر مبنی بر سی هزار نفر برای لشکر سلجوقی، و دویست هزار نفر برای رومیان، قابل قبول تر است (عزالدین علی بن اثیر [ابی تا]. تاریخ کامل، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، ج ۱۷، تهران: علمی، صص ۴۰-۴۱).

دینی و مذهبی را برای ارتقای روحیه‌ی سربازان خویش در دستور کار قرار دادند و اتفاقاً همین مسئله مشمر ثمر واقع گردید. اگر این تحلیل را پیذیریم، فهم رفتار نظامیان که در منابع به آن اشاره شده است، آسان‌تر می‌گردد. ظهیرالدین نیشابوری از زبان یکی از سرداران معروف آپ ارسلان، به نام امیر ملک محمد دانشمند، که سلطان سلجوقی را مخاطب قرار داده بود، چنین آورده است: «ما بند را اندیشه‌ای از سر مسلمانی روی می‌نماییم... امروز به سعادت باز می‌گردیم و... روز آدینه علماً الصلاح بعد از حی علی الفلاح با خشم منصور به حربگاه معرکه حاضر شویم که در آن وقت خطباء بر منابر اسلام دعا[۱] [اللهم انصر جيوش المسلمين و سرايهم]، به جمع از سر اخلاص یکسر بگوییم و بر کفار فجّار زنیم. اگر سعادت شهادت یابیم، نعم التواب، واگر مظفر و منصور شویم، «ذالک هو الفوز العظيم». جمله‌ی امرا را غیرت و حمیّت دین است که امارت بخياري باشد، در باطن حرکت آمد و در فکر محمد دانشمند، محمدی گفتند».^۲

سلطان آپ ارسلان سرانجام با پیشنهاد مشترک فقهاء و امراء همراهش، موافقت کرد و جنگ ملازگرد با تأخیر، در صبح روز جمعه هفدهم ذی القعده ۴۶۳ هق آغاز گردید. با این که جنگ مذکور ریشه در خودسری‌ها و تجاوزات مکرر ترکمانان سلجوقی به خاک امپراتوری روم شرقی داشته و در راستای سیاست توسعه‌طلبی ارضی آنان بوده است،^۳ سلطان سلجوقی می‌خواسته است با استفاده از کارکردهای مسجد و نقش خطباء و خلیفه‌ی عباسی، به آن صبغه‌ی دینی و مشروعیت مذهبی ببخشد؛^۴ چنان‌که در نوشته‌ی صدرالدین حسینی، مورخ دربار سلجوقی، اشاره شده است. وی در خصوص علل و ریشه‌های جنگ مذکور می‌نویسد: «در ۴۶۳ سلطان آپ ارسلان شنید که شاه روم همراه با مخالفان مسلمین، همچون ارمینیان، غزان و فرنگیان، سوگند خوردند که خلیفه را بردارند و جاثلیقی بر جایش گمارند و مساجد را ویران سازند و کلیساها برآورند».^۵

۱ ظهیرالدین نیشابوری ۱۳۳۲. سلجوق‌نامه، تهران: کلام‌الهی خاور، ص ۲۵.

۲ ا. ک. باسورث ۱۳۷۱. «تاریخ سیاسی و دومنای ایران ۶۱۴-۳۹۰ هجری»، تاریخ ایران کمیریج، ترجمه‌ی حسن انشه، ج ۵، ویراستار جی. آ. بویل، تهران: امیرکبیر، ص ۲۱۴.

۳ صبغه‌ی دینی و شرعی دادن به اقدامات سیاسی- نظامی یکی از شگردهای دائمی ترکان سلجوقی- و البته به راهنمایی کار بهستان ایرانی‌شان- و در راستای بحث مشروعیت مذهبی بوده است. احتمالاً راز و رمز این مسئله نیز در فقدان مشروعیت ملی آنان و اتکاءِ صرف به مشروعیت مذهبی نهفته است.

۴ صدرالدین ابوالحسن حسینی ۱۳۸۰. زیسته‌ی التواریخ، اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، ترجمه‌ی رمضانعلی روح‌الله‌ی، تهران: ایل شاهسون بغدادی، ص ۸۱.

این شگرده، با توجه به نابرابری تعداد دو سپاه، می‌توانست به لحاظ معنوی و دینی قدرت مضاعفی به سپاه سلجوقی ببخشد. لذا وجهه‌ی جهادی بخشیدن به جنگ با رومیان و استفاده از نقش ممتاز و اثرگذار مساجد و خطباء، در دستور کار قرار گرفت. ضمناً، دعای خطیبان بر منابر و تحریک و تشجیع مسلمانان برای جهاد با کفار، می‌توانست در صورت طولانی شدن جنگ، به کمک سپاه سلجوقی- دست کم در نواحی مرزی- آید و به عنوان پشتیبان سپاه عمل نماید.

خلیفه‌ی عباسی القائم با مرالله (۴۲۲- ۴۶۷ هق) که رابطه‌ی بسیار حسن‌های با آل پارسلان داشت، نیز دستور داد تا سلطان سلجوقی را بر سرمنابِ مساجد دعا گویند، آن‌گاه دعای مبوسط، پرمحتوا و مهیجی تهیه کرد و برای همه‌ی خطیبان ارسال داشت تا در بلاد اسلامی بر سر منابر بخوانند و مردم را به دعاگویی سپاه مسلمان و احیاناً به منظور اقدامات عملی بعدی، تحریک و تهییج نمایند. متن کامل این دعا، که صرفاً در زیارت‌التواریخ صدر الدین حسینی آمده است، حاوی نکات ارزشمند و جالبی است که خود حکایت از تأثیر بسیار مهم و حیاتی کار کرد اطلاع رسانی مسجد در روند تحولات سیاسی- مذهبی آن روز جهان اسلام، به ویژه در امر خطیر جهاد، دارد. ضمناً، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای ممتاز از دعائمه‌های جهان اسلام در دوره‌ی میانه‌ی اسلامی و به لحاظ محتوا و میزان اثربخشی و ذاته شناسی سیاسی و اجتماعی تلقی گردد.^۱ پایانِ جنگ، با پیروزی شگفت‌انگیز و سرنوشت‌ساز مسلمانان همراه بود. ترسیم صحنه‌ی جنگ و تأثیرگذاری مسجد- بر رویه‌ی جنگ‌جویان مسلمان، دست کم در بعد معنوی و روانی- در نوشته‌های صدر الدین حسینی، بنداری و ابن اثیر به خوبی انعکاس یافته است:

«دو گروه به روز آدینه، هنگام برآمدن خطیب مسلمانان بر منبر، با یکدیگر رویاروی شدند....^۲ همین که آن ساعت فرارسید، ایونصر برای پیش‌نمایی نماز گزارد و سلطان بگریست و مردم هم گریستند، با وی هم صدا دعا کردند.... سلطان جامه‌ی سپیدی در آمیخته با کافور پوشید و گفت: اگر کشته شوم، همین کفن من خواهد بود.^۳ آتش پیکار شعله ور شد.... دو لشکر بالا و پایین می‌شد تا هنگام ظهر در رسید. نزدیک بود با اتمام جنگ، دین خدا نابود شود. آواز خطیبان از پله‌ها و چوب‌های منبرها برخاست و نیت کسانی که نماز جمعه می‌گزارند

۱ صدر الدین ابوالحسن حسینی، همان، صص ۸۱-۸۲

۲ همان، ص ۸۳

۳ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۴۱.

و به اخلاص، مجاهدان اسلام را دعا می‌کردند، به حقیقت پیوست.... پادشاه روم اسیر شده و به زنجیر کشیده گردید.... اسلامیان هزاران رومی را کشتند.^۱

به نظر می‌رسد دولتمردان سلجوقی در این جنگ و در جنگ‌های مشابهی که به آنها خواهیم پرداخت، به خوبی توانستند با تمرکز تبلیغات در مساجد، افکار عمومی جامعه را نسبت به مسئله‌ی جهاد حساس کنند. بدین وسیله، آن را به موضوعی عمومی تبدیل کردند و به نوعی تمام اقتشار جامعه را در این مسئله درگیر نمودند. این شگرد موققیت‌آمیز سیاسی- مذهبی هم در بالا بردن روحیه سپاه سلجوقی مؤثر بود، و هم اینکه موجب آمادگی مردم برای رساندن کمک به سپاه مسلمانان در صورت لزوم بود.

جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی (۴۹۰-۶۹۵ هق / ۱۰۹۶-۱۲۹۵ م) جلوه‌گاه دیگری از کارکرد رسانه‌ای مسجد در عرصه‌ی جهاد و در تاریخ ایران و اسلام بود. تحریک و تهییج مسلمانان برای جهاد با کفار مسیحی، اطلاع‌رسانی از وقایع جنگ و وضعیت سپاه اسلام، دادخواهی و تظلم مسلمانان نواحی مرزی، اعتراض سیاسی مسلمانان درگیر جنگ، و از همه مهم‌تر، بسیج سیاسی- نظامی و گردآوری نیرو و امکانات برای جیهه‌های جنگ- آن‌هم به مدت قریب به دویست سال و در طی هشت جنگ وسیع، گسترده و شدید- از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌ای مسجد، در سراسر جهان اسلام بوده است. مساجد به عنوان شبکه‌ای گسترده و فراگیر در قلمرو خلافت اسلامی، نقشی بی‌بديل ایفا کردند. حکومت‌های جهان اسلام در این دوره‌ی حساس از تاریخ آن، و در رأس آن سلجوقیان، با استفاده از این شبکه‌ی گسترده، با اطلاع‌رسانی از صحنه‌ی جنگ و انتقال پیام به مردم، آنان را برای رفتن به میدان جنگ ترغیب می‌کردند. گاهی مردم، خود، با حضور در مسجد، سلاطین را وادار به جنگ می‌نمودند؛ چرا که جنگ‌های صلیبی، تحت تأثیر منازعات داخلی بین سلطنت و خلافت و یا درگیری‌های درون سلطنت سلجوقی قرار گرفته بود و لذا تلاشی جدی برای مقابله با صلیبیون انجام نمی‌شد. مسلمانان با استفاده از مسجد پیام خویش را به حاکمان می‌رسانند و بدین وسیله روند جنگ را به نفع مسلمانان تغییر دادند.

^۱ بنداری، همان، صص ۴۹-۵۰.

تفرقه و آشفتگی سیاسی- مذهبی جهان اسلام در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری، چالش‌های عمیق و شدید بین دو نهاد سلطنت و خلافت، منازعات سیاسی و خطرات فرقه‌گرایی، کشمکش‌ها و رقابت‌های گسترده و متعدد جانشینی، و شدت یافتن جنگ‌های داخلی در درون مرزهای اسلامی، مانع از توجه و اهتمام دو نهاد سلطنت و خلافت به مسئله‌ی مهم و حیاتی و مبتلاهه جهان اسلام، یعنی جنگ‌های صلیبی، گردید. حاصل این آشفتگی و پراکندگی سیاسی نیز پیروزی چشم‌گیر صلیبیون از همان دهه‌های آغازین جنگ بود. آنان توانستند بر بسیاری از شهرها و سواحل شرق مدیترانه و در لبنان، فلسطین و شام، دست یابند.^۱ لذا، مسلمانان مناطق مرزی و جنگی برای استمداد، تظلم، اعتراض سیاسی و یا بهمنظور آگاهی‌رسانی به حاکمان اسلامی و عموم مسلمانان، «مسجد» را تنها و البته بهترین و کارآمدترین ابزار و وسیله‌ی مناسب یافتند. متون تاریخی این مقطع از تاریخ جهان اسلام نمونه‌های فراوانی از این مجموعه کارکردهای مسجد و در عرصه‌ی جهاد را ثبت و ضبط کرده است، که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

در سال ۴۹۲ هق و پس از قتل عام عظیم مسلمانان بیت المقدس توسط صلیبیون،^۲ گروهی از ائمه‌ی مسلمانان، در ماه رمضان به بغداد آمدند و به نوشته‌ی ابن اثیر، «... و در دیوان سخنانی بر زبان راندند که سرشک از دیدگان شوندگان بیارید و دلها را به درد آورد و روز جمعه در جامع (مسجد) به پا خاستند و استغاثه کردند و گریستند و دیگران را گریاندند و گفتند که در آن شهر شریف معظم، از قتل و کشتار مسلمانان و اسارت زنان و خردسالان و غارت اموال، چه به روز آن‌ها آمده است. [آنان] افزوندند که از شدت مصیبت، نیاز به فطريه یافتند [يعني مستحق صدقه شدند]». خلیفه‌ی عباسی، المستظہر بالله (۴۸۷-۵۱۲ هق)، که ظاهراً تحت تأثیر قرار گرفته بود، خواستار اقداماتی شد که البته اختلافات بین سلاطین سلجوقی- بهویژه جنگ‌های جانشینی بین برکیارق و محمد- و امراء مانع از تحقق این امر گردید.^۳

اندکی بعد، و به سال ۵۰۴ هق تسلط صلیبیون بر مناطقی از شام و احتمال پیش‌روی پیش‌تر

^۱ عبدالرحمن بن خلدون، ۱۳۷۱. *تاریخ (العرب)*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ج. ۴، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص. ۵۱؛ حاتم قادری، ۱۳۷۰. *اندیشه‌های سیاسی غزالی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص. ۶۴؛ جواد طباطبائی، ۱۳۷۳. *زواں اندیشه‌ی سیاسی در ایران*، تهران: کویر، ص. ۱۰۸؛ نورالله کساپی، ۱۳۷۴. *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: امیرکبیر، ص. ۱۶.

^۲ غیغوریوس ابوالفرج ابن عربی، ۱۳۶۴. *تاریخ مختصر الدواع*، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور، حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات، ص. ۲۶۶.

^۳ ابن اثیر، همان، ج. ۱۷، ص. ۲۶۰.

آنان، موجب گردید تا این‌بار جمعی از مسلمانان حلب، برای اعتراض سیاسی و نیز استمداد از مسلمانان، عازم بغداد شوند. به محض ورود، گروه بسیاری از فقهاء و سایر طبقات مسلمانان به آنان پیوستند و بالاتفاق به «مسجد سلطان محمد» رفتند و مانع برگزاری نماز جماعت در مسجد مورد نظر گردیدند و نیز منبر را شکستند. ظاهراً، این اقدام، به لحاظ تبلیغی- سیاسی و از طرق مسجد، مؤثر واقع شد و سرانجام سلطان محمد سلجوقی (۴۹۸- ۵۱۱ هق) برای تسکین درد آنان و نیز بهمنظور کاهش اعتراض‌شان، وعده داد که برای جهاد با کافران، قشونی آماده کند و اعزام دارد. ضمناً منیری نیز از دارالخلافه برای مسجد سلطان فرستاده شد.^۱

البته مسلمانان مذکور، که به تحقق وعده‌های سلطان و عملی شدن آن امیدی نداشتند، در روز جمعه و به اتفاق مردم بغداد به واکنش تندری دست زدند. آنان به «مسجد قصر»، واقع در دارالخلافه بغداد، هجوم برداشتند. دربانان از ورودشان ممانعت کردند، لیکن آن‌ها بر دربانان غلبه یافتد و وارد مسجد شدند. آن‌گاه، پنجره‌های شبستان را شکستند و به سوی منبر هجوم برداشتند و آنرا خرد کردند و بدین ترتیب نماز جموعه باطل گردید. خلیفه مستظہر در این خصوص پیامی برای سلطان سلجوقی فرستاد و از او خواست که به این مسئله رسیدگی و آن را حل نماید. سلطان محمد نیز به امرایش دستور داد تا به شهرهای مسلمانان واقع در نواحی مرزی بروند و برای جهاد با کافران آماده شوند. وی ضمناً پسر خود یعنی مسعود را نیز به جنگ با صلیبیون فرستاد. البته، به نوشته‌ی منابع، همه‌ی این تلاش‌ها- به علت اختلافات بین امراء سلجوقی- به نتیجه‌ای نرسید.^۲

پیشرفت‌های گسترده‌ی صلیبیون در دهه‌های نخستین قرن ششم هجری قمری و تصرف بخش‌های زیادی از شام و فلسطین و تشکیل حکومت صلیبی در این مناطق، واکنش‌های شدید، تن و گسترده‌تر قاطبه‌ی مسلمانان و به خصوص مسلمانان شام را نسبت به بی‌تفاوتوی جهان اسلام و رهبران آن دربی داشت. البته، اوضاع آشفته‌ی سیاسی، نظامی و مذهبی این دوره از جهان اسلام، رقمی برای آنان در دفاع از کیان اسلامی و دفع خطرات "کافران مسیحی" باقی نگذاشته بود. یکپارچگی سیاسی، اتحاد اسلامی و در نتیجه، قلمرو اسلام، در معرض هجوم جدی قرار گرفته بود. لذا، اعتراض‌های سیاسی و تظلم مردم و علمای نواحی مورد هجوم، از

۱ عزالدین علی بن اثیر ۱۳۵۲. کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، ج ۱۸، تهران: شرکت سهامی چاپ، صص ۱۳۲- ۱۳۴.

۲ همان، ج ۱۸، ص ۱۳۵.

طریق رسانه‌های ارائه دهنده تبلیغی یعنی مساجد، و بهویژه مساجد کانون معنوی جهان اسلام – یعنی بغداد – امری اجتناب ناپذیر بود.

دهه‌ها صبر و شکیابی مردم مسلمان نواحی درگیر جنگ، از سوی رهبران مذهبی و سیاسی و نظامی جهان اسلام آن روز، پاسخی در خور و شایسته نیافرته بود.^۱ این بار می‌بایست مردم مسلمان از طریق خانه‌ی خدا شاهد و ناظر بی‌پناهی و ندای دادخواهی آنان باشند. البته، این امر به لحاظ تبلیغی نیز می‌توانست موجب تحریک مسلمانان، بیداری اسلامی و اقدامات عملی آنان در ابعاد مادی و معنوی گردد؛ به خصوص در شهر بغداد^۲ که نزادها، اقوام و مذاهب مختلف اسلامی را در خود داشت.

در سال ۵۲۲ هق، و پس از پیشوایی‌های بسیار صلیبیون در شام از یک‌سو، و بی‌توجهی سلطان مسعود سلجوقی (۵۴۷-۵۲۹ هق) به ندای استمداد طلبانه‌ی مردم و امرای درگیر جنگ از دیگر سو، موجب گردید تا عده‌ای از مسلمانان شام و بغداد به «مسجد جامع قصر» بغداد بروند و مردم را تحریک و تهییج نمایند. آنان در روز جمعه، هنگامی که واعظ بر بالای منبر بود، فریاد «وا اسلاما! وا دین محمدما» سر دادند. آن‌گاه، نعره و فریاد زدن و عمامه‌ها و لباس‌های خود را پاره کردند و بر زمین زدند. مسلمانان حاضر در مسجد به هیجان آمدند، به گریه افتادند و نماز جماعت را ترک کردند و به لعن سلطان سلجوقی پرداختند.

در «مسجد جامع سلطان» بغداد نیز عین همین شورش به راه افتاد و مردم شورش کنان از آن جا به سمت قصر سلطان رسپار شدند. چیزی نگذشت که مردم از همه سو اقامت گاه سلطان سلجوقی را محاصره کردند. سلطان مسعود که از تبعات و اثرات تحصن و تجمع مردم در مساجد بغداد و انعکاس وسیع و گسترده‌ی آن در جهان اسلام بسیار بیناک شده بود، فوراً دستور تجهیز قشون و اعزام آن به جیهه‌های جنگ را صادر کرد.^۳

حوادث تاریخی فوق، نمونه‌ی کامل و جامعی از کارکرد رسانه‌ای مسجد است که خود

۱ به طور مثال، امام محمد غزالی - فقیه مشهور شافعی - علی‌رغم حضور ده ساله‌اش در شام و در همین سال‌های بر التهاب جنگ‌های صلیبی، هیچ اشاره‌ای به این مسئله در آثارش ننموده است.

۲ با مروری بر سطور قبلی در می‌باییم که غالباً این، بغداد و مساجد آن بودند که بیشترین نقش را در کارکرد جهادی و در زمینه‌ی جنگ‌های صلیبی و در دوره‌ی موردنظر داشته‌اند. مرکزیت مادی و معنوی این شهر، حضور چند ماهه‌ی هریک از سلاطین سلجوقی در آن و در طول سال، و از همه مهم‌تر وجود دستگاه خلافت عیاسی و با وظایف مهم سیاست‌گذاری جهان اسلام در مقابل جهان خارج، و نیز اختیارات جهادی آن، مهم‌ترین پاسخی است که می‌توان به عنوان دلیل حضور مسلمانان نواحی مرزی در بغداد ارائه نمود.

۳ عزالدین علی بن اثیر، همان، ج ۱۹، ص ۳۰۲-۳۰۴.

مجموعه‌ای از نقش‌های جزئی آن را در برگرفته است. محل دادخواهی، محل اعتراض سیاسی، محل اعلان سیاسی، مکان تحریک و تشجیع مذهبی- سیاسی، محل بسیج سیاسی، محل تبلیغات جنگ، مرکز اطلاع‌رسانی از وضعیت جیهه‌های جنگ و موقعیت‌های سپاه مسلمان و چنان‌که مشاهده گردید، این مردم بودند که از رسانه‌ی مسجد برای پیش‌برد اهداف خود و ترغیب حکومت به مبارزه با مهاجمان مسیحی بهره برند و نهایتاً توانستند سلطان سلجوقی را مجبور به جنگ با صلیبیون کنند. به عبارت دیگر، سهم و نقش قاطبه‌ی مردم در بهره‌برداری از کارکرد رسانه‌ای مسجد و در قیاس با حکومت سلجوقی، بیش‌تر بوده است.

جنگ قفقاز

کارکرد رسانه‌ای مسجد در عرصه‌ی جهاد یک‌بار دیگر خود را در حوادث هجوم‌های گرجستان به نواحی قفقاز و شهرهای مسلمان‌نشین شمالی در دوره‌ی سلجوقی به نمایش گذاشته است. جنگ‌های قدرت و در نتیجه نابسامانی سیاسی ایران در اواخر قرن پنجم هجری قمری، موجب گردید تا پادشاه گرجستان در سال ۵۱۳ هق به اران و تفلیس، که تحت امر سلجوقیان بود، حمله نماید. مسلمانان این منطقه به تنها‌یی به جهاد برخاستند، لیکن نتیجه‌ای نگرفتند و گرجی‌ها پس از کشتار بسیار در شهرهای اسلامی، تفلیس را که مهم‌ترین شهر این منطقه بود، با شدت و خشم تصرف کردند و آن‌گاه دست به غارت و کشتار مردم آن‌جا زدند. لذا، گروهی از مردم شهر که به ستوه آمده بودند، برای دادخواهی و نیز بهمنظور آگاه ساختن مسلمانان بغداد، و از همه مهم‌تر، برای تحریک و تشجیع آنان، به بغداد آمدند (۵۱۶ هق). آنان به مساجد معروف شهر بغداد رفتند و به استغاثه و استمداد پرداختند. آنان پس از آن به همدان- پایتخت سلطان محمود بن محمد (۵۱۱- ۵۲۵ هق)- رفتند و در آن‌جا نیز همین عمل را انجام دادند. ظاهراً اقدامات آنان به لحاظ تبلیغی- سیاسی مؤثر واقع گردید؛ چون سلطان سلجوقی قشونی را برای سرکوبی گرجی‌ها و بازپس‌گیری شهرهای قفقاز و اران گسیل داشت، که البته شکست خوردند.^۱

در مجموع، می‌توان مسجد را یکی از ابزارهای مهم حکومت و مردم برای پیش‌برد اهداف خویش دانست. در دوران گذشته که وسائل ارتباط جمعی بسیار محدود بود، این نقش آفرینی

^۱ ابن اثیر، همان، ج ۱۸، صص ۳۰۵- ۳۰۸؛ ابن عربی، همان، ص ۲۷۱.

مسجد بسیار چشم‌گیر بود، تا آن‌جا که مهم‌ترین رسانه به‌شمار می‌آمد. مسجد فضایی عمومی بود و در حیات اجتماعی و سیاسی نقش زنده و ملموسی داشت. از مجموع روایت‌های فوق درمی‌یابیم که نوع نگاه مردم به مسجد، تنها به عنوان محلی برای عبادت نبوده است، بلکه به کارکردهای دیگر نیز کاملاً توجه داشتند. اما این به معنای آن نیست که این کارکرد رسانه‌ای را محدود به جنگ نماییم، بلکه در عرصه‌های دیگر نیز مابا چنین فضایی برخورد می‌کنیم.

اعلان شورش علیه سلطان

بررسی دقیق تحولات سیاسی دوره‌ی سلجوقی و بهویژه بحران‌های جانشینی در این دوره، نشان می‌دهد که هر یک از مدعیان تاج و تخت برای ابراز مخالفت و شورش علیه سلطان و اعلان سلطنت خواهی، از علایم و نشانه‌های مختلفی سود می‌جسته‌اند. استفاده از یک و یا مجموعه‌ای از علایم و نشانه‌های شورش که معمولاً به لحاظ تبلیغاتی حائز اهمیت بیشتری بوده است، در این دوره به امری متناول و رایج تبدیل شده بود، که البته در نوع خود و در تاریخ ایران ممتاز است. در دوره‌ی سلجوقی مهم‌ترین علایم و نشانه‌های شورش علیه سلطان عبارت بودند از: پنج نوبت طبل زدن، استفاده از عنوان سلطان، ضرب سکه، و از همه مهم‌تر، خطبه‌خوانی به نام خلیفه و خطبه‌خوانی به نام خود بر منابر مساجد.

شاهزادگان و حتی امرای سلطنت طلب سلجوقی، در راستای تضعیف سلطان مستقر از یک سو، و کسب مشروعیت برای تصاحب تاج و تخت از سوی دیگر، به جایگاه مشروعيت بخش خطابت در مسجد و مقام و موقعیت فرق مذهبی و رؤسای آن‌ها در این دوره، واقف بودند. بسیاری از آن‌ها، قبل از تماس با دستگاه خلافت و تقاضای خطبه‌خوانی به نامشان در مساجد بغداد، از طریق خطبا و رؤسای فرق مذهبی ترتیبی می‌دادند که به نام آنان خطبه خوانده شود. به نمونه‌های فراوانی از این نوع خطبه‌خوانی، که علامت عصیان و شورش و بیان‌گر اعلان استقلال سیاسی در ایران عصر سلجوقی بود، می‌توان اشاره نمود.

نبود قوانین مشخص در امر جانشینی در دوره‌ی سلجوقی - و حتی در تمام دوره‌های تاریخ ایران - شرایط انتخاب ولی‌عهد را همواره مورد چالش جدی قرار می‌داده است. جالب این است که سلاطین خود به خوبی واقف بودند که عمل آنان در انتخاب ولی‌عهد، حتی در فردای پس از مرگشان نیز، ضمانت اجرایی نخواهد داشت. بنابراین، در صدد بر می‌آمدند با کسب حمایت خلیفه‌ی عباسی، بهویژه خطبه‌خوانی به نام آن‌ها در مساجد، پس از ذکر نام خلیفه و سلطان

به عنوان ولی‌عهد شایسته، آینده‌ی پرابهام آنان را تقویت نمایند. در اهمیت این موضوع همین بس، که عمید‌الملک کندری- وزیر سلطان طغل بیگ (۴۲۹- ۴۵۵ هق) - قبل از طرح ولی‌عهدی انوشیروان- پسر آتومن جن همسر طغل بیگ- سعی فراوان کرد تا حمایت و همراهی خلیفه القائم بالله عباسی را به دست آورد، که البته با بی‌بردن سلطان بدین امر، وی توفیقی نیافت.^۱

همچنین، پس از آن که سلطان ملکشاه سلجوقی (۴۶۵- ۴۸۵ هق)، پسر بزرگ خود، ابوشجاع احمد، را به سال ۴۸۰ هق به ولایت‌عهدی منصوب داشت، فوراً از خلیفه خواست که به نام وی در بغداد و به ولایت‌عهدی خطبه خوانده شود. از این‌رو، به دستور خلیفه عباسی، و در شعبان همان سال، به نام ولی‌عهد سلجوقی، در مساجد خطبه خوانده شد و برخطبیان زر نثار گردید.^۲

پس از مرگ سلطان ملکشاه و آغاز جنگ‌های جانشینی در دولت سلجوقی، جایگاه خلافت، و از همه مهم‌تر، اهمیت و ارزش خطبه‌خوانی توسط ایشان در مساجد جامع بغداد و درنتیجه تبلیغ آن در مساجد سراسر جهان اسلام، دوچندان گردید. ترکان خاتون- همسر پرنفوذ ملکشاه- برای استقرار سلطنت فرزند خردسالش محمود، از خلیفه المقتدى خواست تا به نام فرزنش در مساجد بغداد خطبه خوانده شود. او برای پذیرش رأی خلیفه عباسی امتیازات سنگینی به او داد. سرانجام، «خلیفه التمام او را به احباب مقرون گردانید و به نام پسرش محمود خطبه کرد». ^۳ البته، رقیب و دشمن بزرگ او، یعنی سلطان برکیارق، نیز در سال ۴۸۷ هق به بغداد آمد و خطبه‌ی سلطنت به نام او در مساجد جامع بغداد، توسط خلیفه و یا به دستور او، خوانده شد؛ از همه مهم‌تر، نام محمود نیز از خطبه‌ها برافتاد.^۴ تاج‌الدوله تشن بن الـ ارسلان نیز، پس از شورش علیه سلطان برکیارق، به بغداد آمد. او خود را سلطان خواند و برای تقویت ادعایش از خلیفه المستظر مصراًنه خواست تا به نام وی در نمازهای جمعه‌ی بغداد و در مساجد جامع آن خطبه خوانده شود و از همه مهم‌تر نام سلطان برکیارق حذف گردد؛ خلیفه‌ی مذکور نیز دستور به ذکر نام وی بر منابر مساجد و در خطبه‌ها، به عنوان «سلطان» لائق سلجوقی، داد.^۵

۱ بنداری، همان، ص ۱۸.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۱۳۹.

۳ ظهیرالدین نیشابوری، همان، ص ۳۵.

۴ ابن اثیر، همان، ج ۱۷، ص ۲۰۵؛ محمد شبانکارهای ۱۳۶۳. مجمع‌الانساب، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر، ص ۱۰۶.

۵ ابی الفداء ۱۴۱۷ هق / ۱۹۹۷. تاریخ ای افداء، ج ۲، بیروت: دارالکتب علمیه، ص ۲۰؛ عباس اقبال آشتیانی ۱۳۸۴. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۰۴.

مدّعی دیگر تاج و تخت سلجوقی، یعنی محمد بن ملکشاه، نیز اندکی پس از شورش علیه سلطنت برادر ناتنی اش، یعنی برکیارق، عازم بغداد شد. خلیفه طی مراسمی وی را «سلطان» نامید و آن‌گاه فرمان داد که به نام او در مساجد بغداد خطبه خوانده شود.^۱ (ضمّناً به نام سنجر، برادر تنی سلطان محمد، نیز به عنوان ولی عهد خطبه خوانده شد).^۲

با مرگ سلطان برکیارق (۴۹۸هـ) نیز، ایاز- اتابک سلطان ملکشاه بن برکیارق- بلاfacسله با اعلان سلطنت ملکشاه دوم، وی را به بغداد برد و توانست موافقت خلیفه المستظہر را برای اعطای لقب «جلال الدّوله»، و مهم‌تر از آن، ذکر نام او در خطبه‌های بغداد بگیرد.^۳ البته، حضور نظامی سلطان محمد در بغداد،^۴ مانع از تحقق این امر گردید و همچنان به دستور خلیفه به نام سلطان محمد در منابر بغداد و پس از ذکر نام او، می‌آمد.^۵

با شروع قرن ششم هجری قمری و با شدت گرفتن جنگ‌های جانشینی، نقش سیاسی مساجد و خطبه‌خوانی در آن برای بازی‌گران سیاسی این دوره اهمیتی دو چندان یافت. غالب شاهزادگان و امراز مدعی سلطنت سلجوقی، از مسجد به عنوان محل اعلان مواضع سیاسی و استقرار سلطنت خود و نیز تخریب شخصیت رقبا استفاده می‌کردند. از این رو، در این دوره مساجد مکرراً شاهد خلع کردن‌ها و افتادن نام سلاطین و صاحبان قدرت از خطبه‌ها بودند. نمونه‌های بسیاری در تاریخ تحولات سیاسی دوران سلجوقی از این مسئله وجود دارد. به همین دلیل، ذکر تمامی آن‌ها باعث طولانی شدن متن می‌گردد. مسئله‌ی خطبه‌خوانی به طور عام

^۱ شمس الدین احمد بن محمد ابی خلکان ۱۳۸۱. منظر الانسان (ترجمه‌ی وفیات الاعیان)، ترجمه‌ی احمد بن محمد بن عثمان سنجری، ج. ۳، ارومیه: دانشگاه ارومیه، صص ۱۹۶-۱۹۷؛ این خلدون، همان، ج. ۴، ص ۵۸؛ حسینی، همان، ص ۱۱.

^۲ ابن اثیر، همان، ج. ۲۱، ص ۱۲.

^۳ به نوشته‌ی ابن اثیر، در روز پنج شنبه ربيع الآخر سال ۴۹۸ هجری قمری، در دیوان خلافت به نام ملکشاه پسر برکیارق خطبه خوانده شد و فردای آن روز که جمعه بود، در جوامع (مساجد) بغداد نیز خطبه خوانده شد (ابن اثیر، همان، ۱۷، ص ۳۵۵). این عربی نیز بدین امر تصریح دارد: «... در مساجد بغداد به نام ملکشاه خطبه خوانده شد» (ابن عربی، همان، ص ۲۶۷).

^۴ ورود سلطان محمد به بغداد در روز جمعه آخر ربيع الثانی سال ۴۹۸ هجری قمری، نه تنها موجب سردرگمی خلیفه المستظہر، بلکه دوگانگی و سردرگمی خطبای مساجد جامع سراسر بغداد گردید. زیرا خطبای مساجد جامع واقع در سمت غربی بغداد به نام سلطان محمد به سلطنت خطبه خواندند. البته، خطب مسجد جامع منصور بغداد (از مساجد جامع معروف بغداد) نیز موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد و بدون ذکر نام هیچ یک از سلاطین مذکور، به این جمله اکتفا کرد که: «خداؤندا، سلطان عالم را اصلاح کن»، و پس از آن سکوت کرد.

^۵ البته، این تفرقه و اختلاف، و نیز احتمال شر و غارت بر اثر نزاع و جنگ بین دو گروه متخاصم در بغداد، موجب وحشت مردم این شهر گردید. سراج‌جام، با وساطت و رایزنی الصفی بالمحاسن، وزیر سلطان محمد، ترک منازعه و صلح بین اتابک ایاز و سلطان محمد برقرار گردید (ابن اثیر، همان، ج. ۱۷، ص ۳۵۹).

^۶ مؤلف ناشناخته ۳۷۷. تاریخ آل سلجوق در آناتولی، تصحیح نادره جلالی، تهران: میراث مکتب، ص ۶۳؛ ابی الفداء، همان، ج. ۲، ص ۳۷.

می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه قرار گیرد. در این صورت، اعلان شورش بخشی از آن خواهد بود. منصب خطاب و کارکرد مسجد در عرصه‌ی اطلاع‌رسانی و مشروعيت‌سازی از جایگاهی مهم برخوردار بود. همچنان که مشاهده گردید، تمام کسانی که علیه سلطنت می‌شوریدند، به این جایگاه و کارکرد مسجد کاملاً واقف بودند. سایر شورش‌ها نیز در استفاده از مسجد به همین شکل عمل می‌کردند.

مسجد به عنوان محل اعتراضات مردمی

اعتراض نسبت به اقدامات دولت سلجوقی و کارگزاران آن و کوتاهی این دولت و یا دستگاه خلافت عباسی در قبال مسایل سیاسی آن روز جامعه‌ی اسلامی، یکی از تحولات مهم سیاسی این دوره از تاریخ ایران و اسلام بوده است. این اقدام که معمولاً با محوریت مساجد صورت می‌پذیرفت، آثار تبلیغی زیادی داشت و ارتباط اشار مختلف جامعه‌ی اسلامی را با یکدیگر بیشتر می‌نمود. این نکته را می‌توان یکی دیگر از کارکردهای مهم تبلیغی-رسانه‌ای مساجد در دوره سلجوقی دانست. در این دوره، مردم به صورت گروهی و یا انفرادی، در قبال ظلم و ستمی که نسبت به حقوق شخصی یا فرقه‌ای- مذهبی آنان از سوی سلاطین و کارگزاران حکومتی صورت می‌گرفت، از طریق مساجد ندای حق‌طلبی و دادخواهی سر می‌دادند. اقدامات مذکور، اگر چه ممکن بود نتیجه‌ی عینی نداشته باشد، ولی از حیث تنویر افکار عمومی و رساندن صدای مظلومیت آنان، و نیز افشاء مظالم کارگزاران حکومتی، نتایج شگرفی داشت؛ به گونه‌ای که می‌توان در بررسی علل ضعف و سقوط دولت سلجوقی و خلافت عباسی بدان توجه نمود. جالب این جاست که بدانیم برخی عدالت خواهان و معترضان، با وجود آگاهی از توفیق نیافتن در اعتراضات سیاسی و نیز عدول نکردن حکومت از مواضع خویش، به چنین اقداماتی دست می‌زند. نمونه‌های زیادی از کنش‌های مردمی از طریق مساجد، در منابع آمده است، که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

وزیر ابوشجاع، در ریبع الاول سال ۴۸۴ هق، از وزارت خلیفه المقتدی بامر الله (۴۶۷-۴۸۷ هق) عزل شد. علت این امر نقار و کینه‌ای بود که بین وی و سلطان ملکشاه و خواجه نظام الملک وجود داشت. خواجه و سلطان معتقد بودند وی در راه پیش‌برد مقاصدشان کارشکنی می‌کند. در این بین شکواهی یهودیان بغداد به سلطان ملکشاه، مبنی بر تعدیات وزیر مذکور نسبت به آنان نیز مؤثر بود. در هر صورت، خواجه و سلطان از خلیفه خواستند که او

را از وزارت عزل کند. خلیفه نیز چنین کرد. فردای آن روز که جمعه بود، وزیر مخلوع به حالت اعتراض و از سر دادخواهی از سلجوقیان، که مسیبان و محركان اصلی این واقعه بودند، از خانه خود پیاده به سمت مسجد جامع بغداد به راه افتاد. این اقدام او با استقبال انبوی از مردم بغداد رو به رو شد. مردم از هر طرف بر وی می‌ریختند و با او مصافحه می‌کردند. برخی را از این شکوه و هیبت خوش نیامد؛ از این رو، برای جلوگیری از هرگونه حادثه‌ی سوئی، به وی دستور داده شد که به خانه‌اش مراجعت نماید.^۱

اعتراض سیاسی و دادخواهی مسلمانان مشتاق زیارت خانه‌ی خدا در مسجد جامع قصر بغداد، نسبت به تأخیر در فراهم شدن شرایط رفتن به حج، موجب واکنش مثبت خلیفه المسترشد بالله (۵۱۲-۵۲۹ هق) و تسهیل کار حاجیان گردید. ماجرا از این قرار بود که در سال ۵۱۳ هجری قمری، حج به تأخیر افتاد و مسلمانان مشتاق حج به دادخواهی برخاستند و کمک طلبیدند و پس از تجمع در مسجد جامع قصر، برای تأثیرگذاری بیشتر اعتراض خود در صدد شکستن منبر مسجد برآمدند، خلیفه‌ی عباسی به محض آگاهی از این قضیه، دیس بن صدقه را فرستاد تا در تسهیل کار حاجیان مساعدت کند. او نیز دستور خلیفه را اجرا کرد.^۲

واکنش سیاسی و اعتراض مردم شروان نسبت به در بند کشیده شدن پادشاهان توسط سلطان محمود بن محمد سلجوقی (۵۵۱-۵۲۵ هق) شدید بود و به تخریب مسجد جامع شهر و مناره‌های آن انجامید. علت این اقدام سلطان محمود آن بود که عده‌ای از امرای سلجوقی او را به طمع دست یافتن بر دفینه‌ها و خزاین پادشاه شروان، به جنگ با اوی واداشتند. از این رو، سلطان در سال ۵۱۷ هجری قمری به بلاد شروان حمله کرد؛ شروان شاه، که به گفته‌ی بنداری «رعیتش به حکومتش قانع بودند»،^۳ به استقبال سلطان سلجوقی آمد، ولی به بند کشیده شد؛ در حالی که اهالی شهر انتظار می‌کشیدند شروان شاه با خلعت کامل و نیکو باز گردد. مردم چون از حقیقت حال آگاه شدند، به ناله و گریه صدا بند کردند. مردان و زنان که به جوش آمده بودند، مسجد جامع شهر را خراب کردند و مناره‌ی آن را ویران نمودند. این واکنش سیاسی آنان موجب هرج و مرج در این ایالت تابعه‌ی دولت سلجوقی گردید و هجوم کافران سر حد به شهرها را نیز دربی داشت، که البته با زحمات فراوان سلطان محمود سلجوقی سرکوب گردید.^۴

۱ بنداری، همان، ص ۸۸.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۱۸، ص ۲۹۳.

۳ بنداری، همان، ص ۱۶۲.

۴ بنداری، همان، ص ۱۶۲-۱۶۳.

در سال ۵۴۵ هجری قمری، یوسف دمشقی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد به تدریس مشغول شد. چون این تدریس بدون دستور خلیفه‌ی عباسی بود، روز جمعه از ورود او به مسجد جامع جلوگیری کردند. از این رو، وی به مسجد جامع سلطانی بغداد رفت و نه تنها نماز گزارده، بلکه تصمیم به بر پایی جلسه‌ی درس نیز گرفت. سلطان مسعود سلجوقی که با یوسف دمشقی مخالفت داشت و نمی‌خواست از این مسجد علیه او استفاده‌ی سیاسی شود، به شیخ ابوالنجیب توصیه کرد که در آن جا به تدریس پردازد. ولی شیخ، چون فرمان خلیفه را در دست نداشت، از این کار خودداری کرد؛ تا آن که سلطان مسعود اجازه‌ی این کار را از خلیفه گرفت و ابوالنجیب از نیمه‌ی ماه محرم آن سال سرگرم تدریس در مسجد جامع سلطانی گردید.^۱

در ماه شوال سال ۵۷۰ هق، گروهی از ستم‌دیدگان منطقه‌ی غراف به بغداد آمدند و به علت آزار و اذیت و غارت شدن توسط امیر علاء‌الدین تنامش پسر احمد قطب الدین قایماز، از امرای بزرگ بغداد، که تمایلات شیعی داشت، دادخواهی کردند. هنگامی که خلیفه‌ی عباسی المقضی بامر الله (۵۶۶-۵۷۵ هق) به علت زبونی و ناتوانی در برابر امیر و پدرش نتوانست به داد آن‌ها برسد، آنان به مسجد جامع قصر خلیفه هجوم برداشتند و از مردم استمداد طلبیدند و واعظ را باز داشتند و به نوشه‌ی ابن اثیر، «کاری کردند که نماز بیشتر مردم از دست رفت. این اتفاق و بی‌اعتنایی امرا به نارضایتی خلیفه‌ی عباسی و دادخواهی ستم‌دیدگان، موجب خشم خلیفه گردید و دستور حمله به خانه‌های آنان را صادر کرد، اموالشان غارت شد و به ناچار از بغداد گریختند».^۲

در سال ۵۷۳ هجری قمری نیز دادخواهی مردم مسلمان مدائن در مسجد جامع کاخ، موجب آشوب وسیعی در بغداد شد. علت دادخواهی آنان این بود که یهودیان آن شهر، به دلیل هم‌جواری مسجد با کنیسه، به صدای اذان معرض بودند و سرانجام این مسئله موجب زد و خورد بین آنان شد که نتیجه‌ی آن شکست مسلمانان و پیروزی یهودیان بود. از این رو، مسلمانان برای دادخواهی به بغداد آمدند. ابن العطار، خزانه دار بغداد، دستور داد تا ایشان را به زندان اندازند. این جمعیت پس از رهابی از زندان، مستقیماً به مسجد جامع قصر رفتند و پیش از اقامه‌ی نماز جمعه، از مردم استمداد طلبیدند.

اعتراض سیاسی مردم از طریق مساجد، نسبت به خیانت‌های بزرگان شهر در هم‌دستی با

۱ ابن اثیر، همان، ج ۲۰، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۲۲، ص ۱۱۶-۱۲۱.

مهاجمان و به هنگام محاصره شهرها، نوعی دیگر از کارکرد سیاسی مساجد است. از جمله، پس از آن که میاجق به سال ۵۹۲ هجری قمری شهر همدان را محاصره کرد و قصد ورود به شهر را داشت، مردم بدین گمان که او به دروغ خود را نماینده سلطان تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶ هـ) معرفی کرده است، با وی به جنگ پرداختند و مانع از ورودش به شهر شدند. سرانجام، خوارزمشاه که نزدیک همدان بود، به بزرگان شهر پیغام فرستاد که امیر میاجق از سوی او آمده است، پس لازم است شهر را به وی تسليم نمایند و اگر هم تردیدی در این بیام دارند، شخص معتمدی را به نزد او بفرستند. بزرگان همدان، جوانی با داشن، دهاء و فضل به نام رکن الدین حافظ را به نزد سلطان تکش فرستادند. این جوان پس از مراجعت، صدق مدعای فرستاده خوارزمشاه را تأیید کرد. اما مردم شهر بار دیگر در این امر تردید کردند و در مسجد جامع همدان گرد آمدند. به نوشته‌ی راوندی، در این مسجد عوام قصد کشتن او کردند که «تو زن و مال مسلمانان در دست میاجق می‌نهی؟» از این رو، رکن الدین بر سر منبر سوگند خورد که خوارزمشاه نزدیک همدان است و امیر میاجق را تأیید می‌کند و این که او عاصی نیست. اما مردم باور نکردند و از همانجا چند نفر دیگر به نزد سلطان خوارزمشاه فرستادند، که این بار گفته‌ی رکن الدین برای مردم مورد پذیرش و تأیید واقع شد.^۱

نتیجه

در پایان باید اشاره کنیم، مسجد در دوران سلجوقی از موقعیتی ممتاز و اثرگذار برخوردار و دارای کارکردهای متنوع و گوناگونی نیز بوده است. در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مسجد به عنوان عاملی اثرگذار مورد استفاده قرار می‌گرفت. به ویژه، کارکرد تبلیغی و رسانه‌ای آن در امور جهادی و دفاعی و همچنین مشروعيت بخشی، مورد توجه بود. شرایط سیاسی جهان اسلام در این دوره، و از همه مهم‌تر، وقوع جنگ‌های وسیع و گسترده‌ی صلیبی و نیز جنگ با امپراتوری روم شرقی، اهمیت و جایگاه مسجد را دو چندان می‌ساخت. تحریک، تهییج و تشجیع مسلمانان، اطلاع‌رسانی و در جریان قراردادن مسلمانان از وقایع جنگ و وضعیت سرزمین‌های درگیر، بسیج مردم برای جنگ، و از همه مهم‌تر، اعتراض به بی‌توجهی و یا کم

^۱ محمدبن علی بن سلیمان راوندی ۱۳۶۴. راحه الصدور و آیه السرور، در تاریخ آل سلجوقی، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر، صص ۳۸۴-۳۸۵.

توجهی حاکمان اسلامی، از مهم‌ترین نقش‌های جهادی مسجد در این دوره‌ی سرنوشت‌ساز از تاریخ ایران و اسلام است. از سوی دیگر، در این دوران ما با مسائل جانشینی و بحران‌های متعاقب آن رو به رو هستیم. در چنین شرایطی، رسانه‌ی مسجد به عنوان ابزاری در اختیار شورشیان قرار می‌گرفت تا پیام خویش را به جامعه منتقل کنند و همچنین با خواندن خطبه به نام آنان در مساجد جامع مشروعیت‌شان تأیید می‌گردید.

خلاصه‌ی کلام آن است که، کار کرد مسجد در این دوران محدود به امور عبادی نبود و استفاده کنندگان از آن نیز محدود به قشر خاصی نمی‌گردید، بلکه تمام اقشار، اعم از مردم و حاکمان و ناراضیان، به نوعی از مسجد برای رساندن پیام خویش بهره می‌بردند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی [بی‌تا]. تاریخ کامل، ج ۱۶ و ۱۷، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، تهران: علمی-تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ----- ۱۳۵۲. کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، ج ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳.
- ابن خلدون، عبدالرحمن ۱۳۷۱. تاریخ (العبر)، ترجمه‌ی عبدالحمد‌آیی، ج ۴، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابی خلکان، شمس الدین احمد بن محمد ۱۳۸۱. منظر الانسان (ترجمه‌ی وفیات الاعیان)، ترجمه‌ی احمد بن محمد بن عثمان سنجری، ج ۳، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- ابن عربی، غریغوریوس ابوالفرج ۱۳۶۳. تاریخ مختصر اللّول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور، حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات.
- ابی الفداء ۱۴۱۷ هـ/ ۱۹۹۷ م. تاریخ ابی الفداء، ج ۲، بیروت: دارالکتب علمیه.
- اقبال آشتیانی، عباس ۱۳۸۴. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- باسورث، ادموند کلیفورد ۱۳۷۱. «تاریخ سیاسی و دوستانی ایران، ۶۱۴-۳۹۰ هجری»، تاریخ ایران کمپریج، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیر کیمی.
- بنداری، فتح بن علی ۲۵۳۶. تاریخ سلسله‌ی سلجوقی، زبدۃ النصره و نخبۃ العصره، ترجمه‌ی محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی ۱۳۷۷. تصحیح نادره جلالی، تهران: نشر میراث مکتب.
- ترابی طباطبائی، جمال ۱۳۵۰. سکه‌های شاهان اسلامی ایرانی، ج ۲، تبریز: اداره‌ی کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن ۱۳۸۰. زبدۃ التواریخ، اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی، ترجمه‌ی رمضانعلی روح الله، تهران: ایل شاهسون بغدادی.

- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان ۱۳۶۴. راحه الصدور و آیه السرور، در تاریخ آل سلجوقی، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیر کبیر.
- شبانکارهای، محمد ۱۳۶۳. مجمع الانساب، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- طباطبایی، جواد ۱۳۷۳. زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران، تهران: کویر.
- قادری، حاتم ۱۳۷۰. اندیشه‌های سیاسی غزالی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کسایی، نورالله ۱۳۷۴. مدارس نظامی و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر.
- مؤید ثابتی، علی ۱۳۶۳. اسناد و نامه‌های تاریخی از اوایل دوران اسلامی تا اواخر عهد شاه اسماعیل صفوی، تهران: طهوری.
- نیشابوری، ظهیر الدین ۱۳۳۲. سلجوقنامه، تهران: کلاله‌ی خاور.
- هولت‌بی‌ام و همکاران ۱۳۸۳. تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه‌ی تیمور قادری، تهران: امیر کبیر.

